

اصول روحانی، دروس زندگی، و هشدارهای مقدس  
که در تاریخ سموئیل دیده می‌شود

مطالعه متون مقدس: اول سموئیل ۱: ۱۰-۱۱، ۱۸-۲۰، ۲۷-۲۸؛

۲: ۳۰، ۳۶-۳۵؛ ۳: ۱-۲۱؛ ۴: ۱۱-۲۲؛ ۷: ۳-۱۷؛ ۱۲: ۲۳

۱. سموئیل از قبیله لاوی بود (اول تواریخ ۶: ۳۳-۳۸) ولی از خاندان هارون، خانواده کاهنانی که توسط خدا انتصاب شده بودند، نبود؛ سموئیل به عنوان کسی که، نه از تولد بلکه از نذر نذیره، کاهن بود، خداوند را خدمتگزاری می‌کرد:

آ. حرکت خدا با پاسخ او به دعای حنا برای تولید یک نذیره پیروزمند بود که برای تحقق خواست خدا مطلق باشد؛ حتی قیل از تولدش، سموئیل توسط مادرش وقف شد که چنین شخصی باشد - اول سموئیل ۱: ۱۰-۱۱، ۱۸-۲۰.

ب. خدا مایل است همه مردمش نذیره باشند؛ یک نذیره بودن به معنای تقدیس و جدا شدن به طور مطلق و نهایی برای خداست، یعنی، برای هیچ چیز نبودن بجز خدا و برای هیچ چیز نبودن بجز رضایت او - فقط شهادت عیسی، که کلیسای شهادت دهنده به عنوان شهادت و ابراز مسیح است - اعداد ۶: ۱-۲؛ مزامیر ۷۳: ۲۵-۲۶؛ مکاشفه ۱: ۲، ۹-۱۳؛ ۱۹: ۱۰؛ ر.ک. خروج ۳۸: ۲۱:

۱. برای یک نذیره پرهیز از شراب و هر چیزی که به منبع آن مربوط می‌شود، به معنای پرهیز از انواع لذت و خوشی زمینی و برگرفتن و تجربه مسیح به عنوان لذت و خوشی اوست؛ خوردن درخت حیات، یعنی مسرت بردن از مسیح به عنوان تأمین حیات ما، باید مورد اصلی در زندگی کلیسایی باشد - اعداد ۶: ۳-۴؛ مکاشفه ۲: ۷؛ داوران ۹: ۱۲-۱۳.

۲. برای یک نذیره که تیغ بر سرش نیاید، به معنای رد نکردن، بلکه مطلقاً تابع سروری خداوند و نیز تمام نایب اقتداران مقرر شده توسط خدا بودن، است - اعداد ۶: ۵؛ رومیان ۱۳: ۱-۲؛ افسسیان ۵: ۲۱، ۲۳؛ ۶: ۱؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷؛ اول پطرس ۵: ۵.

۳. برای یک نذیره که با مرگ خویشاوندان خویش آلوده نشود، بلکه در جدایی خود بماند تا برای خدا مقدس باشد، بدین معناست که یک نذیره بر عاطفه طبیعی خود غلبه می‌کند - اعداد ۶: ۷.

۴. برای یک نذیره که به مرده نزدیک نشود یا با مرگ ناگهانی کسی در جوار او آلوده نشود، به معنای جدایی نذیره از مرگ است - آ.آ. ۶-۹؛ مکاشفه ۳: ۴؛ لایوان ۱۱: ۳۱؛ ۵: ۲؛ ر.ک. اول یوحنا ۵: ۱۶.

۲. در زمان سموئیل، کهنات خاندان هارون به کلی سقوط کرده بود؛ ولی خدا وضعیت را پیش‌بینی کرد؛ او علاوه بر انتصاب خاندان هارون به عنوان کاهنان، مکملی ساخت - نذر نذیره در اعداد ۶ - در صورت وجود نارسایی در کاهنان منصوب شده:

آ. وقتی که خاندان هارون سقوط کرد، این مکمل مورد استفاده عملی قرار گرفت؛ سموئیل با وقف شدن، جدا شدن و قرض داده شدن به خداوند، یک کاهن شد - اول سموئیل ۱: ۱۱، ۲۷-۲۸.

ب. در زمان عیسی، خدا از نظر کهنات فقیر بود، پس حنا سموئیل را به خداوند قرض داد؛ وقتی که وضعیت غیرعادی باشد، خداوند نسبت به حکومت خود فقیر شده و نیاز به کسی دارد که داوطلبانه خود را به خداوند دهد.

پ. حنا پس از ارائه سموئیل به عیسی، خدا را برای نجاتش که از طریق اعمال شگرف او انجام شد، ستایش کرد؛ دعای او مربوط به حرکت خدا در اقتصادش بود و نشان می‌داد که او چیزی درباره اقتصاد خدا دریافته است - ۲: ۱-۱۰.

۳. سموئیل زیر نظر عیسی بزرگ شد؛ در نوجوانی، سموئیل در حضور عیسی، خداوند را خدمت کرده

(آ. ۱۱، ۱۸-۱۹)، توسط عیسی راه خدمت به خدا را می‌آموخت:

آ. خدا سه بار سموئیل را صدا زد؛ «آنگاه عیسی دریافت خداوند است که پسر را می‌خواند، پس به سموئیل گفت، برو و بخواب. اگر تو را خواند بگو، "خداوند، بفرما که خدمتگزارت می‌شود"... و خداوند آمده، بایستاد و همچون دفعات پیش ندا کرده، گفت، سموئیل! سموئیل! سموئیل پاسخ داد: "بفرما که خدمتگزارت می‌شود"» - ۱: ۱۰-۱.

۱. این چیزی کاملاً مثبت بود که سموئیل از عیسی آموخت؛ به عنوان خادمان خدا، ما باید مشارکتمان را با او حفظ کرده، همیشه به او گوش دهیم - لوقا ۱: ۳۴-۳۸؛ ۱۰: ۳۸-۴۲.

۲. زندگی ما به کلام خداوند بستگی دارد، و کار ما به فرامین او بستگی دارد (مکاشفه ۲: ۷؛ اول سموئیل ۳: ۹-۱۰؛ ر.ک. اشعیا ۵۰: ۴-۵؛ خروج ۲۱: ۶)؛ زندگی ایمانداران کاملاً به سخنان خداوند وابسته است (افسسیان ۵: ۲۶-۲۷).

۳. سخنان خداوند ما را قادر می‌سازد که هدف اقتصاد جاودان او را برای داشتن عروس به عنوان همتای خود، به انجام برسانیم - مکاشفه ۲: ۷؛ افسسیان ۵: ۲۶-۲۷؛ غزل غزلها ۸: ۱۳-۱۴.

ب. در حالی که سموئیل در حال یادگیری بود، زوال کهنات هارونی تنزل کرده را مشاهده کرد:

۱. او صندوق خدا را دید که توسط ارشدان قوم غصب شد و توسط فلسطینیان تسخیر گشت و جلال خدا که از اسرائیل خارج شد؛ او به داوری شدید خدا بر خاندان عیسی پی برد، که شامل مرگ دو پسر شیریر او، حُفنی و فیئحاس، بود - اول سموئیل ۲: ۱۲-۳۶؛ ۴: ۱۱-۲۲.

۲. داوری شدید خدا بر خاندان عیسی توسط مرد خدا نبوت شد (۲: ۲۷-۳۶)؛ سپس، این داوری شدید با کلام یهوه که از طریق سموئیل بیان شد، تأیید گشت (۳: ۱۱-۱۸).

۳. مقصود خدا از گفتن داوری آینده به عیسی از طریق سموئیل ممکن است این بوده باشد که تأثیری فراموش نشدنی بر این پسر جوان کاهن بگذارد؛ این حکمت خدا بود - آ. ۱۷-۱۸.

۴. این امر سموئیل را در کهنات نذیره‌ای آینده خود ضعیف نکرد؛ در عوض، این یک هشدار مداوم برای او در طول خدمت کاهنانه‌اش شد که به او کمک کرد تا در تمام زندگی خود در خدمت خدا خالص بماند.

۴. سموئیل کسی بود که عصر را تغییر به عصر پادشاهی با مقام پادشاهی داد؛ این نه تنها در تاریخ اسرائیل، بلکه حتی در تاریخ بشریت، یک مورد بزرگ بود:

آ. سموئیل علیه خاندان هارون سرکشی نکرد و چیزی از خاندان هارون غصب نکرد؛ همان‌طور که سموئیل بزرگ می‌شد، خدا محیط را ترتیب داد تا او را بی‌عیب کرده و ظرفیت او را برای انجام هر کاری که برای خدا لازم بود تا عصر را به عصر پادشاهی با پادشاهی تغییر دهد، تقویت کند.

ب. سموئیل به عنوان کاهن، کهنات هارونی کهنه را جایگزین کرده، و از لحاظی، خاتمه داد؛ خدا از سموئیل استفاده کرد تا عصر را، نه از طریق طغیان یا انقلاب، بلکه از طریق راه مکاشفه الهی برای آوردن مقام پادشاهی، تغییر دهد.

پ. سموئیل یک مرد مکاشفه بود و همه کار را طبق آنچه دید، انجام داد؛ «خداوند... خویش را به واسطه کلام خداوند بر سموئیل ظاهر می‌ساخت» (آ. ۲۱)؛ علاوه بر این، سموئیل انسانی بر طبق دل خدا بود - یک رونوشت، تکثیری از قلب خدا؛ به عنوان چنین شخصی، سموئیل هرگز طغیان-گری نمی‌کرد.

۵. کل وجود و شخص سموئیل، نه تنها اعمال، زندگی و کار او، بر طبق خدا بود؛ وجود سموئیل و قلب خدا یکی بود؛ بدین دلیل، می‌توانیم بگوییم که سموئیل، انسانی بر طبق خدا، خدای فاعل بر روی زمین بود:

آ. ذهن خدا در نظر سموئیل بود؛ او هیچ فکر، ملاحظه یا تفکر دیگری نداشت؛ زندگی و کار او برای اجرای محتوای قلب خدا بود.

ب. سموئیل شائول و داوود را به پادشاهی مسح کرد (۱۰: ۱؛ ۱۶: ۱، ۱۳)؛ این طبق انتصاب خدا بود که سموئیل باید مدام در حضور مسح شده او باشد (۲: ۳۵) تا بر پادشاه نظارت کرده، آنچه را که پادشاه انجام می داد مشاهده کند.

پ. این نشان می دهد که سموئیل، خدای فاعل روی زمین، بزرگتر از پادشاه بود؛ سموئیل این چنین صلاحیت داشت چرا که برای سالهای متمادی خدا او را فقط برای اقتصاد خود بی عیب می کرد:

۱. سموئیل می توانست توسط خدا برای اجرای اقتصادش استفاده شود، زیرا او انسانی بر طبق خدا و دل خدا بوده، هیچ خودخواهی و سود جویی نداشت - ر.ک. متی ۱۶: ۲۴-۲۶؛ لوقا ۹: ۲۳-۲۵.

۲. او هیچ دلی برای چیزی غیر از قلب خدا و برگزیدگان خدا نداشت؛ قلب او بازتابی از قلب خدا بود - ر.ک. فیلیپیان ۲: ۱۹-۲۲؛ دوم قرنتیان ۳: ۱۶-۱۸.

۳. سموئیل معتقد بود که دعا نکردن برای مردم خدا، که گنجینه و دارایی شخصی او هستند، گناهی بر ضد یهوه بود - اول سموئیل ۱۲: ۲۳؛ خروج ۱۹: ۵.

ت. گرچه برای سموئیل راحت نبود که در محیط خاص خود برای یهوه بایستد، او به منافع خدا اهمیت داده و عصر را تغییر داد؛ بر طبق عهد قدیم، سموئیل از نظر اینکه برای خدا و منافع خدا بود، با موسی همردیف قرار داده شده است - ارمیا ۱۵: ۱.

ث. «سموئیل قواعد پادشاهی را برای قوم شرح داد و آنها را در کتابی نوشته، در حضور خداوند نهاد» - اول سموئیل ۱۰: ۲۵آ:

۱. موسی شریعت را به فرزندان اسراییل داد، ولی آنها قبل از آمدن سموئیل یک سری آیین نامه یا یک قانون اساسی نداشتند.

۲. سموئیل آیین نامه ها، قانون اساسی، عمل، رسوم، آداب، مقررات، و احکام چگونگی اجرای پادشاهی خدا بر روی زمین را به مردم آموخت.

۶. **خدا عصر جدیدی را در برانگیختن سموئیل، یک نذیره جوان، به عنوان کاهنی امین برای جایگزین کردن کهنات تنزل یافته، آغاز کرد - ۲: ۳۵:**

آ. سموئیل توسط خدا مستقر شد تا کلام خدا را بیان کند که جایگزین تعلیم کلام خدا توسط کهنات کهنه شود؛ در کهنات اولین کاری که یک کاهن باید انجام دهد، سخن گفتن برای خداست.

ب. پیش سینه و اوریم و نمیم که توسط کاهن اعظم پوشیده می شد وسیله ای بود که خدا برای صحبت با مردمش به کار می برد (خروج ۲۸: ۳۰)؛ در تنزل کهنات، سخنان خدا تقریباً از بین رفت (اول سموئیل ۳: ۱، ۳آ).

پ. خدا کلام خود را توسط استقرار سموئیل به عنوان یک نبی در پیامبری رفعت یافته (آآ. ۲۰-۲۱) به برگزیدگانش داد، و اقتدار خود را توسط برانگیختن سموئیل به عنوان یک داور، بر برگزیدگانش بکار برد (۷: ۱۵-۱۷).

ت. سموئیل، به عنوان آخرین داور، قضاوت را خاتمه داد، و به عنوان کاهن جدید، مقام پادشاهی، که توسط پیامبری رفعت یافته قوت گرفته بود را آورد.

ث. به عنوان اولین نبی محسوب می شود، زیرا او نبوت را برای سخنان خدا آورد - اعمال ۳: ۲۴؛ ۱۳: ۲۰؛ عبرانیان ۱۱: ۳۲.

۷. **سموئیل بر روی زمین با خدا یک بود؛ به عنوان خدای فاعل بر روی زمین، نماینده همان خدای آسمان برای حکم راندن بر مردمش بر روی زمین، سموئیل در پنج مقام خدمتگزاری می کرد - اول سموئیل ۷: ۳**

آ. سموئیل به عنوان یک نذیره خدمتگزاری کرده، به طور مطلق به خدا برای تحقق اقتصاد او، وقف شده بود - ۱: ۱۱، ۲۸آ.

ب. سموئیل به عنوان کاهنی که خدا را حرمت نهاده و خشنود می کرد، خدا را خدمتگزاری کرد تا کهنات

کهنه و تنزل یافته را جایگزین کند، و او امین بود که از جانب خدا عمل کرده، حتی پادشاهان را برای دولت الهی بر روی زمین، تعیین و برقرار کند - ۲: ۳۰، ۳۵-۳۶؛ ۷: ۳-۱۷؛ داوران ۹: ۹، ۱۳. پ. سموئیل به عنوان یک نبی خدمتگزاری کرد که توسط خدا برقرار شده بود (اول سموئیل ۳: ۲۰) تا کلام خدا را به جای تعلیم کهنانت کهنه در زمانی که کلام یهوه نادر بود و رؤیا غیرمعمول، بیان کند (آ. ۱-۱۰، ۱۹-۲۱).

ت. سموئیل به عنوان یک داور در واقعیت مقام پادشاهی خدمتگزاری کرد تا قضاوت مردم را توسط کهنانت قدیمی و کهنه جایگزین کند - ۷: ۱۵-۱۷.

ث. سموئیل به عنوان انسان دعاگو خدمتگزاری کرد، آن که برای برگزیدگان خدا دعا می کرد تا در راه خدا حفظ شوند، با خدا یک باشند، و توسط بت‌های امتهای در دام نیفتند، و از خدا به عنوان این‌عزیر (یعنی «سنگ یاری» - آ. ۱۲) مسرت ببرند، تا خواست خدا در مورد آنها برآورده شود (آ. ۱۷-۳؛ ۸: ۶؛ ۱۲: ۱۹-۲۵؛ ۱۵: ۱۱ ب).